

اندیشه کردن که چه گویم، به از پشیمانی خوردن که چرا گفتم.

www.mandegardaily.com

سال ششم شماره یک هزار سه صد و دوازده چهارشنبه ۱۴ جوزا / خرداد ۱۳۹۳ ۵ شعبان المعظم ۱۴۳۵ ۴ جون ۲۰۱۴

داکتر عبدالله عبدالله خپلو پلویانو ته: په ملاتړ کولو به مو پښپمانه نه شی

د استاد عبدالرب رسول سیاف په مشرۍ د امنیت د تامین، د قانون حاکمیت او له فساد سره د مبارزې ټاکنیز ټیم او د ملي انسجام گوند له داکتر عبدالله عبدالله خپل ملاتړ اعلان کړ. په دې اړه په جوړه شوې غونډه کې د استاد عبدالرب رسول سیاف لومړي مرستیال او جهادي مشر محمد اسماعیل خان وویل، له خپلو مجاهدو همسنگرو سره له ډېر پخوا راهیسې یو ځای و او خوښ دی چې یو ځل بیا د خپلو پخوانیو یارانو ترڅنګ ودرېد.

هغه وویل، د استاد عبدالرب رسول سیاف تر مشرۍ لاندې د امنیت تامین، له فساد سره مبارزه او د قانون حاکمیت ټاکنیز ټیم چې د افغانستان له مخکښو سیاستوالو جوړ دی، خپل ملاتړ له داکتر عبدالله عبدالله نه اعلانوي، خو په گډه هېواد له اوسنیو ستونزو خلاص کړي.

د نوموړي په وینا، دوی د یوه مسوولیت لپاره سره یو ځای شوي او دا یو ځای والی یې اوس نه بلکې، پنځه دېرش کاله وړاندې دی، چې د هېواد له هرې سیمې نه په گډه په یوه غږ راټول شوي او هېواد یې ازاد کړی و.

ښاغلي اسماعیل خان په ټول افغانانو غږ وکړ، چې د یوه سر لوري افغانستان لپاره...

ادامه صفحه ۶

چرا تیم تحول و تداوم کنار رود؟!

داکتر عبدالله + استاد سیاف + زلمی رسول + گل آقا شیرزی

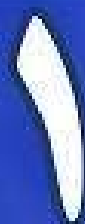
اشرف غنی احمدزی + داوود سلطا نزوی



صفحه ۶

کاندیدای ریاست جمهوری ۱۳۹۳

عبدالله
داکتر



نشان انتخاباتی شماره انتخاباتی

عبدالرحمن آموز

نامه‌یی به عالمان دین:

تنها منبر برای برچیدن فساد کافی نیست!

بیداری علما را به نمایش گذاشته و جلوی فساد و گمراهی دولت آینده را می‌گیرد.

۳- وقتی امریکا، انگلیس، پاکستان و سایر کشورهای دخیل در قضیه افغانستان برای پشتیبانی از نامزدان پیش شرط قرار قرار می‌دهند، علمای دینی ما را چه شده است که خاموشانه به گوشه‌ی بی بروند و بگویند: «سیاست یک چیز پلید است، ما نمی‌خواهیم به آن آلوده شویم»؟! حال آن‌که بدون سیاست، زمینه تطبیق عملی ارزش‌های دینی میسر و ممکن نیست.

۴- آگاهی، منطقی، معلومات و تصمیم‌گیری‌های عالمان دین، نسبت به مردم عام بالاتر و معتبرتر است. اگر عالمان دین به‌طور مسنجم، یک نامزد را حمایت کنند و کمپاین تبلیغاتی برای پیروزی او به‌راه اندازند، دشمنان ناکام و ناامید شده و دست‌شان از سرنوشت مردم قطع می‌شود و افغانستانی‌ها پیروز و سربلند می‌گردند. مردم ما اکثراً به علمای دینی احترام دارند و رأی و نظر ایشان را نه تنها قبول می‌کنند، بلکه با جان و دل از آن دفاع می‌کنند. این به خیر و فلاح جامعه ماست و علما باید دست به کار شوند.

۵- نامزد برنده انتخابات و مورد حمایت عالمان دین، محتاطانه و صادقانه، مکلف به عملی کردن قوانین به‌طور یکسان بر همه مردم است و به‌خاطر این که از قبل برای خدمت‌گزاری به ملت قول داده است؛ با ایمان‌داری و درست‌کاری، به حکومت‌داری و دولت‌داری می‌پردازد. این کار باعث رشد و پیشرفت کشور می‌شود و آرزوی پاک شهدای افغانستان تحقق می‌یابد. طبعاً دشمنان داخلی و خارجی کشور برای منزوی شدن علمای دین و به ثمر رساندن اهداف‌شان بسیار تلاش می‌کنند، اما عالمان کشور با سهم‌گیری در امر انتخابات و تعیین سرنوشت جمعی، تمام تلاش‌های دشمنان را با شکست روبه‌رو می‌سازند.

۶- عملی کردن برخی از دستورها و ارزش‌های زیبای دینی، نیازمند داشتن قدرت سیاسی است؛ باید با سهم‌شدن در سیاست و حاکمیت، به عملی شدن ارزش‌ها و دستوره‌های اسلامی کمک کرد.

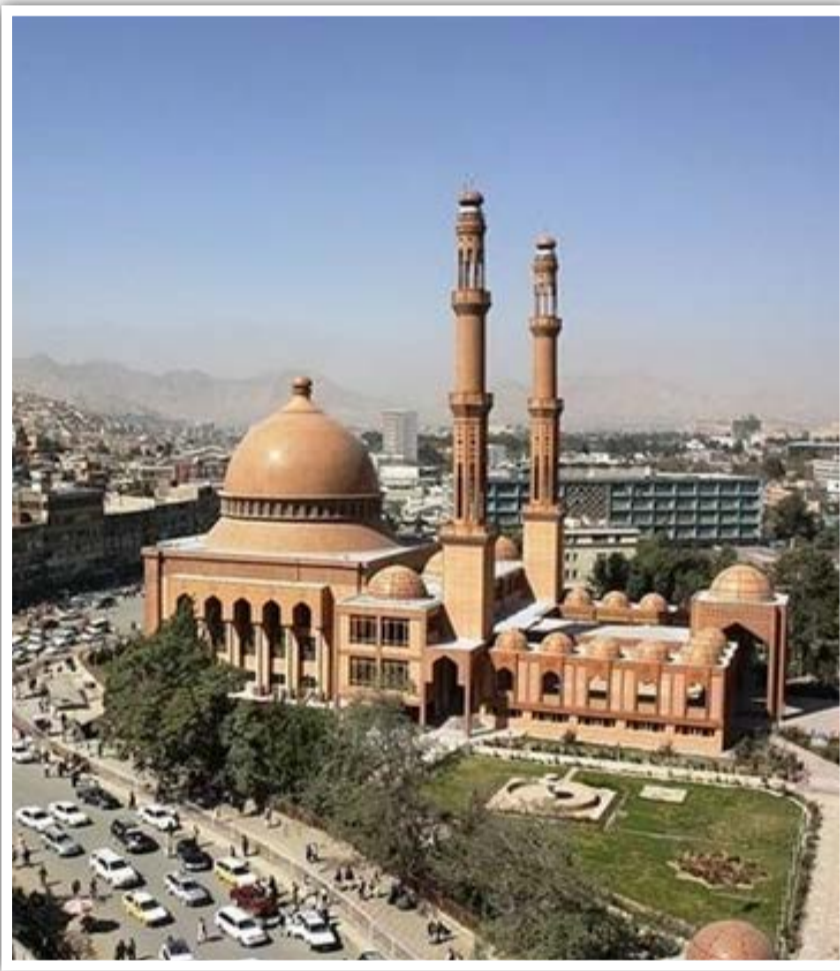
۷- با سهم‌گیری عالمان دین در امر سیاست و حاکمیت، عوام‌فریبی مدارس دینی پاکستان که جوانان خون‌جوش این دیار را به جهاد در برابر برادران مسلمان‌شان تشویق می‌کنند، بی‌بنیاد و نقش بر آب شده و صلح و آرامش در کشور به‌وجود می‌آید.

خلاصه این‌که علمای کشور رسالت دارند که هم خودشان در انتخابات شرکت کنند و هم مردم را وظیفه دهند که در این پروسه مهم شرکت ورزند. تنها رفتن به منبر برای برچیدن فساد و گمراهی در جامعه کافی نیست. علما نفوذ و جایگاه شایسته‌ی در میان مردم دارند؛ همه به توصیه آن‌ها گوش می‌دهند و به آن عمل می‌کنند. اگر علما از توانایی و محبوبیت خود در میان مردم استفاده احسن کنند، بدون شک انتخابات پیش رو، پیروزی و آرامش واقعی مردم افغانستان را رقم خواهد زد.

و برنامه‌ریزی؛ علما بیشترین نقش را در جامعه بازی می‌نمایند، و همین‌طور تأسیس حکومت اسلامی، یکی از اهداف و آرمان‌های‌شان است.

تحقق چنین آرمانی، از مجرای قانونی و مسالمت‌آمیز آن، دستاورد بزرگی برای همه مردم افغانستان است. من به عنوان یک شهروند این سرزمین، به علمای سرتاسر افغانستان این پیام را می‌رسانم که شرکت‌تان در انتخابات و گفت‌وگو با نامزدان ریاست‌جمهوری؛ نه تنها ضرر ندارد، بلکه مزایای زیادی را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. از مجموع همه مزایا، هفت مورد مهم آن را خلاصه بیان می‌کنم به امید این‌که عالمان دینی کشور دست زیر الاشه‌نشسته، در پیکارهای انتخاباتی سهم فعال بگیرند.

۱- وقتی استخبارات کشورهای بیگانه از به‌وجود آمدن یک نظام مبتنی بر قانون و عدالت اجتماعی در کشور ما



بیم و هراس دارند و به آرزوی ایجاد یک دولت ضعیف، شب و روز کار می‌کنند؛ عالمان دینی باید بر آرزوهای شوم آن‌ها خاک پاشیده و مردم را به رأی دادن و شرکت پُرشور و مسوولانه در انتخابات دل‌گرم سازند و از یک نظام قانون‌مدار اعلام حمایت کنند.

۲- چندی پیش، نهادهای جامعه مدنی، دعوتی از نامزدان ریاست‌جمهوری کردند و از آن‌ها نسبت به تطبیق و رعایت منشورهای جهانی حقوق بشری در جامعه تعهد گرفتند. در حالی‌که عالمان دین نسبت به فعالان جامعه مدنی، رسالت بزرگتری دارند و کوشش بیشتری به خرج باید دهند. آرزوی مردم افغانستان است که علمای جید کشور مسنجم، یک‌پارچه و متحد شوند و از نامزدان نسبت به دفاع صادقانه از حقوق حقه مردم تعهد بگیرند. این کار، عظمت و

افغانستان شاهد سومین دور برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری به‌شکل آزاد و قانونی آن است که از مجرای رأی مردم، رئیس‌جمهور انتخاب و بر کرسی ریاست دولت تکیه می‌زند.

انتخابات دوره‌های پیشین، با تقلب‌ها، مداخله‌گری‌های داخلی و خارجی و با مشکلات فراوان روبه‌رو بوده است که در این مقال به آن‌ها نمی‌پردازیم. بحث ما روی نفس انتخابات و نقش علمای دینی در این پروسه است.

بارها بسیاری از علمای دینی گفته‌اند: «انتخابات هیچ‌گونه مانع شرعی ندارد و نه تنها مانع ندارد، بلکه سهم‌گیری در پروسه انتخابات به معنای تعیین زمام‌دار عادل و صادق است که می‌تواند نظام درست را احیا نموده، به توسعه و رشد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بپردازد. زمام‌دار کشور به رانندگی می‌ماند که یا شما را سالم به هدف و مقصود می‌رساند و یا موتر تصادم

می‌کند و شما به هدف نمی‌رسید». بنابراین، بحث مهم در انتخابات، انتقال قدرت از یک گروه به گروه دیگر است، که باید عالمان دین در این فرآیند سهم‌شوند و به حمایت از یکی از گروه‌ها و تیم‌ها اقدام ورزند و موضع‌شان را واضح سازند تا مردم سره را از ناسره تشخیص دهند. اما دشمنان مردم افغانستان بسیار در تلاش‌اند که علما در انتخابات سهم‌نگیرند و انتخابات تحریم گردد. بعضی هم به این هدف دشمنان لیبیک گفته و گاهی در شب‌نامه‌ها و مجالس پنهانی، انتخابات را تحریم اعلام می‌دارند.

اما تحریم کردن انتخابات، نه تنها هیچ دردی از دردهای کشور و مردم را درمان کرده نمی‌تواند، بلکه عالمان دین را در انزوا و حاشیه قرار داده و از صحنه سیاست کنار می‌زند. از نظر کار و فعالیت، مفکوره‌دهی

سخن‌ماندگار

طلبل جنگ در همایش‌های

انتخاباتی تیم تداوم

آخرین چهره‌ها شخصیت‌های نام‌آور و تاثیرگذار هم‌صف‌شان را مشخص کردند. در تازه‌ترین مورد استاد سیاف نامزد پیشین انتخابات و یکی از رهبران جهادی، صادق مدبر و وحیدالله شهرانی نیز به تیم اصلاحات و هم‌گرایی پیوستند. پیوستن این چهره‌ها بی‌تردید که پله ترازو را به سود تیم اصلاحات و هم‌گرایی سنگین‌تر ساخته است، چنان‌که از قبل نیز آرایش این تیم نسبت به تیم رقیبش در پی اعلام حمایت همین‌گونه شخصیت‌ها، منظم‌تر و قوی‌تر به نظر می‌رسید.

اکنون تصور می‌شود که وضعیت انتخابات و سرنوشت فرد برنده و بازنده تقریباً مشخص شده است؛ چنان‌که تمام مهره‌های تاثیرگذار و مردمی در کنار داکتر عبدالله عبدالله ایستاده و نیز بر بنیاد آرای انتخابات دور اول - که تفاوت چهارده درصدی میان داکتر عبدالله و اشرف غنی موجود بود - به نظر می‌رسد که دیگر چیزی در هاله ابهام باقی نمانده است. دو نکته دیگر نیز در این زمینه قابل تذکر است. یکی این که تشخیص و پیش‌بینی کنونی تا حدی ممکن است کار تقلب را هم دشوار بسازد، طوری که اگر احیاناً نتیجه انتخابات، خلاف آرایش‌های سیاسی موجود از صندوق‌های رای به‌در شود، برای کسی کمتر پذیرفتنی خواهد بود و دیگر این‌که هنوز تا انتخابات فرصت زیادی باقی است و ممکن که اتفاقات جدیدی رخ دهد که در نهایت تمام پیش‌بینی‌ها را نادرست ثابت سازد.

به هر صورت، این وضعیت جدید سیاسی باعث شده که دو تیم رقیب در انتخابات این روزها سخت‌ترین حمله‌های لفظی را بر هم‌دیگر حواله کنند. تا جایی که در سخنرانی‌های‌شان به ضعف‌های مدیریتی، اخلاقی، جسمی و... هم‌دیگر اشاره می‌کنند. حتا گاهی طرف‌داران و حامیان این دو تیم چنان عصبانی می‌شوند که بازنده‌شدن‌شان را به مرگ‌شان تشبیه می‌کنند و مردم را تهدید می‌کنند. در موردی تازه، مسولان تیم تحول و تداوم در همایشی در استان بلخ خط و نشان کشیده‌اند. جنرال دوستم گفت که اگر ما برنده نشدیم ما را به کلوخ بزنید و یا خون ما را بریزید و نیز جمعه همدرد والی پکتیا یکی دیگر از مقامات این تیم گفته است که به اشرف‌غنی رای ندهید جنگ خواهد شد.

تحلیل آن است که با توجه به ادامه مشخص شدن سمت و سوی چهره‌ها و افراد تاثیرگذار، تیم‌های انتخاباتی نیز کم‌کم به برنده‌شدن و بازنده‌شدن‌شان آگاه می‌شوند به همین دلیل است که حملات لفظی، هشدار و خط و نشان کشیدن‌شان هم بالا می‌گیرد. هرچند، در تمام دنیا و در پیکارهای انتخاباتی، رقیبان به هم‌دیگر حملات لفظی دارند و از ضعف‌های هم‌دیگر یاد می‌کنند اما کمتر به مشاهده رسیده که با اخطار و نواختن طبل جنگ به پیکار انتخاباتی بپردازند. به نظر می‌رسد که هر قدر تیم‌ها از قوت و ضعف هم‌دیگر و در بازنده‌گی و برنده‌گی یک‌دیگر‌شان را حدس بزنند به همان اندازه حملات لفظی‌شان شدت می‌گیرد. اکنون، امیدواری آن است که بیان مقامات تیم تحول و تداوم هم در همین بستر صورت گرفته است و حقیقتاً نیتی برای جنگ و خون‌ریزی وجود ندارد.

به هر صورت، به نظر می‌رسد که اکنون وقتی گفت‌وگوی دو تیم رقیب فرا رسیده است. زیرا، هر دو تیم، سرنوشت انتخابات و نقش هم‌دیگر را در برنده‌شدن و بازنده‌شدن، به خوبی می‌توانند ترسیم کنند. بنابراین، اکنون زمانی است تیم دوم به جای خط و نشان کشیدن و اخطار دادن مردم خواسته‌های‌شان را به تیم اول در میان بگذارند و آن‌گونه که احمدولی مسعود در صفحه فیسبوکش نوشته است، از تیم برنده حمایت کنند و اصلاً به انتخابات نروند و ین به خیر ثبات سیاسی در افغانستان تمام می‌شود. طوری که اگر وضعیت به همین منوال ادامه پیدا کند ممکن زمینه‌های تفرقه و نفاق بیشتر شود. حال آن‌که در صورت تفاهم، مجال هم‌دیگر‌پذیری، مشارکت سیاسی و در نهایت تشکیل یک دولت ملی به صورت کامل وجود دارد.

رئیس جمهور جدید مصر

شنبه سوگند می خورد



در حالی که پادشاهان کشورهای حوزه خلیج فارس برای مراسم ادای سوگند عبدالفتاح سیدی دعوت شده‌اند اما نام امیر قطر در فهرست مدعوین نیست.

به گزارش پایگاه اینترنتی النشرة، رسانه‌های مصری اعلام کردند که مسوولان دعوت کننده از کشورهای مختلف برای مشارکت در مراسم ادای سوگند جنرال عبدالفتاح سیدی، رئیس جمهور آتی مصر دعوت‌نامه‌هایی را به پادشاهان کشورهای مختلف حوزه خلیج فارس ارسال کرده‌اند اما در لیست دعوت شدگان نام تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر را ذکر نکرده‌اند.

این منابع اعلام کردند که این دعوت‌نامه‌ها توسط سفارتخانه‌های مصر در این کشورها ارسال شده است.

در همین راستا بدر عبدالعاطی، سخنگوی رسمی وزارت خارجه مصر تاکید کرد: این وزارتخانه از طریق هیات‌های دیپلماتیک خود در خارج از کشور اقدام به ارسال این دعوت‌نامه‌ها کرده است.

در حالی که قرار است عصر روز سه‌شنبه کمیته عالی انتخابات مصر بالاخره نام پیروز انتخابات ریاست جمهوری را اعلام کند، نیروهای امنیتی مصر در اطراف مقر کمیته عالی انتخابات به حالت آماده‌باش درآمده‌اند.

منابع مصری اعلام کردند که شنبه آتی مراسم ادای سوگند رئیس‌جمهوری مصر برگزار می‌شود.

روزنامه مصری الیوم نوشت: کاخ ریاست جمهوری مصر در حال آماده‌سازی مراسم تحلیف رئیس‌جمهور جدید مصر در کاخ ریاست جمهوری الاتحادیه در شهر مصر جدید است.

این روزنامه نوشت: قرار است ۳۵ رهبر از جمله رهبران حامی وقایع ۳۰ جون که به براندازی حکومت محمد مرسی منجر شد، در این مراسم دعوت شوند.

امریکا پایگاه ماناس

قرقیزستان را تعطیل کرد



امریکا روز سه‌شنبه پایگاه هوایی خود را در قرقیزستان پس از ۱۲ سال تعطیل کرد. این پایگاه به منظور خروج تجهیزات پرسنل نظامی امریکا از افغانستان استفاده می‌شد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، در واقع واشنگتن مجبور شده است تا مرکز ترانزیت ماناس در شمال بیشکک را تعطیل کند چرا که قرقیزستان که به دنبال بهبود روابط با مسکو است، سال گذشته از تمدید اجاره این پایگاه خودداری کرد.

مقام‌های امریکا در مراسمی نمادین کلیدهای این پایگاه را تحویل مقام‌های قرقیزستان دادند و جان میلارد، فرمانده این پایگاه در مراسمی در این پایگاه حضور یافت و سخنرانی کرد. در این پایگاه حدود ۵ / ۵ میلیون نیرو برای شرکت در عملیات‌های ضد تروریستی از طریق این پایگاه آسیایی منتقل شده‌اند.

سفیر امریکا در قرقیزستان اعلام کرد که کارمندان امریکایی ظرف یک هفته این پایگاه را تخلیه خواهند کرد.

روسیه پایگاه خود را در قرقیزستان همچنان حفظ کرده است و انتظار می‌رود که از این اقدام قرقیزستان استقبال کنند. امریکا نیز پایگاه اصلی ترانزیت خود برای افغانستان را به کشور رومانی منتقل کرده و این کشور در ماه اپریل افزایش سربازان امریکایی در پایگاهی در حوزه دریای سیاه را تصویب کرده است.

رهبران انقلاب آفرین و انقلاب‌های شگفتی‌ساز

نظری پریانی

ایدیولوژیک و رشد کمونیزم جهانی در اوج خود قرار داشت، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رویدادها در منطقه و جهان به‌حساب می‌آمد. اگرچه با شکل‌گیری انقلاب و تشکیل یک حکومت اسلامی در ایران، تلاش‌های مشابهی برای راه‌اندازی انقلاب در دیگر نقاط دنیای اسلام نیز صورت گرفت، اما این تلاش‌ها هرگز نتوانست به این اندازه از توفیق دست یابد.

به هر صورت، نظام موجود ایران به‌رغم آن‌که چه در زمان حیات رهبر و چه هم بیست‌وپنج سال پس از درگذشت آن، با انواع تهدیدها و خطرات و مداخلات بیرونی روبه‌رو بوده، توانسته است به حیات سیاسی و پویای خود در جهان پیچیده و پُرتنش امروز ادامه دهد و در برابر قدرت‌های بزرگ جهان ایستاده‌گی کند. این‌که انقلاب ایران در این سی‌وچندسال از تمام آزمون‌های دشوار داخلی و بیرونی تقریباً موفقانه به‌در آمده و در برابر تهاجمات نظامی و تحریم‌های سیاسی اقتصادی، خود را نابخسته است، نشان می‌دهد که انقلابیون ایرانی در این سال‌ها مدیریت و حکومت‌داری را خوب فرا گرفته‌اند و با اتکا به شعارها، اهداف و نصایح رهبرشان توانسته‌اند انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن را در جهان تثبیت نمایند.

اما با این حال، پس از گذشت سی‌وپنج سال از پیروزی انقلاب ۵۷ ایران، این کشور هم‌اکنون با چالش‌های بسیار بزرگ در دنیا و منطقه روبه‌رو است. یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین چالش‌های



همه‌ساله با فرا رسیدن سالروز شهادت قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود، رسانه‌های ایرانی پیرامون این شخصیت شناخته‌شده جهانی، تحلیل‌های علمی و تجلیل‌های شایانی را صورت می‌دهند که سبب آشنایی بیشتر جامعه جوان ایرانی با قهرمان ملی افغانستان می‌شود. بنابراین بیراه نیست که در افغانستان نیز، شخصیت بزرگ و تاریخی مثل آیت‌الله خمینی به معرفی و تحلیل علمی گرفته شود تا جوانان افغانستانی هم بدانند که این شخصیت مهم تاریخ، چه اهمیتی برای جهان معاصر داشته است

تأثیرگذاری و پویایی انقلاب ایران، بدون شک مرهون مدیریت شخصی مثل خمینی است که با توجه به توانایی‌های فردی و تکیه بر ارزش‌های

روز چهاردهم جوزا/ خرداد ۱۳۶۸، روز وفات آیت‌الله خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر مذهبی این کشور است و امروز، بیست‌وپنج سال از وفات این شخصیت تأثیرگذار می‌گذرد. در این مدت، همه‌ساله در کشورهای مختلف اسلامی؛ به‌خصوص ایران، عراق، افغانستان، لبنان و برخی کشورهای دیگر، از این شخصیت انقلاب‌آفرین گرمی داشت به‌عمل می‌آید. اما در افغانستان، شناخت و تجلیل از آیت‌الله خمینی، بیشتر جنبه مذهبی، سیاسی و عاطفی داشته است؛ حال آن‌که شایسته است به چنین شخصیت‌هایی، نگاه علمی و منطقی داشت و ابعاد مختلف زنده‌گی آن‌ها را عالمانه به تحلیل گرفت.

نگاه علمی به شخصیت‌های بزرگ، چهره آن‌ها را از سایه‌اندازی‌ها و نورپردازی‌های مصنوعی به‌دور می‌دارد و بزرگی حقیقی آن‌ها را به مثابه ایک انسان برتر، در معرض دید عموم قرار می‌دهد. اما نگاه کاملاً عاطفی و احساسی، می‌تواند غباری از افسانه و افسون را بر چهره این شخصیت‌ها بنشاند و آن‌ها را از دایره قضاوت علمی و عالمانه خارج سازد. در واقع چنین شخصیت‌هایی که نمی‌توان حضور معنی‌دار آن‌ها را منکر شد، نیاز به بافتن‌ها و ساختن‌های دیگران ندارند. امروزه نام و رسم آیت‌الله خمینی، در کنار نام و رسم بزرگ‌ترین مردان تأثیرگذار جهان قرار دارد. او یکی از چهره‌های ماندگار تاریخ است و در ساده‌ترین تعریف، می‌شود گفت که او با همت عالی خود توانست یک جامعه را متحول، و نظامی را بنیان‌گذار که نزدیک به چهار دهه است بی‌هیچ انقطاعی در دشوارترین حالات، به حیات پویای خود ادامه می‌دهد.

شخصیت‌هایی مثل گاندی در هند، محمدعلی جناح در پاکستان، آیت‌الله خمینی در ایران و احمدشاه مسعود در افغانستان، از چهره‌های ماندگار و نامداری‌اند که با مجاهدت‌شان، افتخارات ماندگاری را نصیب جوامع انسانی کرده‌اند. هر یک از این شخصیت‌ها، با توجه به زمان و مکان ویژه خود و رویدادها و تعاملاتی که در عرصه ملی و بین‌المللی در دوره حیات‌شان جریان داشته، توانسته‌اند نقش متفاوت اما ماندگاری را در تحول جامعه‌شان ایفا کنند و جهان را متأثر سازند. از این رو، به‌جاست که در مناسبت‌های مربوط به این شخصیت‌های بزرگ جهانی، ابعاد شخصیت فردی و اجتماعی و علمی و سیاسی آن‌ها را به ارزیابی و نقادی بگیریم. زیرا درک و شناخت درست از کارنامه‌های این شخصیت‌های کاریزماتیک، برای نسل‌های امروز و فردا از اهمیت بسیارویژه‌ی برخوردار است.

همه‌ساله با فرا رسیدن سالروز شهادت قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود، رسانه‌های ایرانی پیرامون این شخصیت شناخته‌شده جهانی، تحلیل‌های علمی و تجلیل‌های شایانی را صورت می‌دهند که سبب آشنایی بیشتر جامعه جوان ایرانی با قهرمان ملی افغانستان می‌شود. بنابراین بیراه نیست که در افغانستان نیز، شخصیت بزرگ و تاریخی مثل آیت‌الله خمینی به معرفی و تحلیل علمی گرفته شود تا جوانان افغانستانی هم بدانند که این شخصیت مهم تاریخ، چه اهمیتی برای جهان معاصر داشته است. دست یازیدن به چنین کاری، خیلی بااهمیت است، اما فرصت و مجال خاص خودش را می‌طلبد که در این کوتاه نمی‌گنجد.

به هر صورت، انقلاب اسلامی ایران، با مدیریت و رهبری آیت‌الله خمینی، توانست صفحه جدیدی را در جهان رقم بزند و بنیادهای نگرش قدرت‌های زمان را به چالش بکشد. اگرچه پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری آیت‌الله خمینی، از همان آغاز با تقابلی‌هایی در سطح قدرت‌ها به همراه بود، اما شکی نیست که تعامل‌هایی را نیز در سطح قدرت‌های دیگر به همراه داشته است. به این معنا که این انقلاب، نگرش کلیشه‌یی به کشورهای جهان را برهم زد و توانست در عرصه سیاست بین‌الملل، تجربه نوینی را به نمایش بگذارد.

اسلامی و مذهبی - سیاسی خویش، توانست آن را مستحکم و بادوام سازد. ورنه، در کشورهای زیادی انقلاب‌های کلانی صورت گرفته، اما آن انقلاب‌ها نتوانسته‌اند ثمره شیرینی برای مردم به‌بار آورند و سرانجام در عرصه مناسبات بین‌المللی، با بن‌بست یا شکست مواجه شده‌اند.

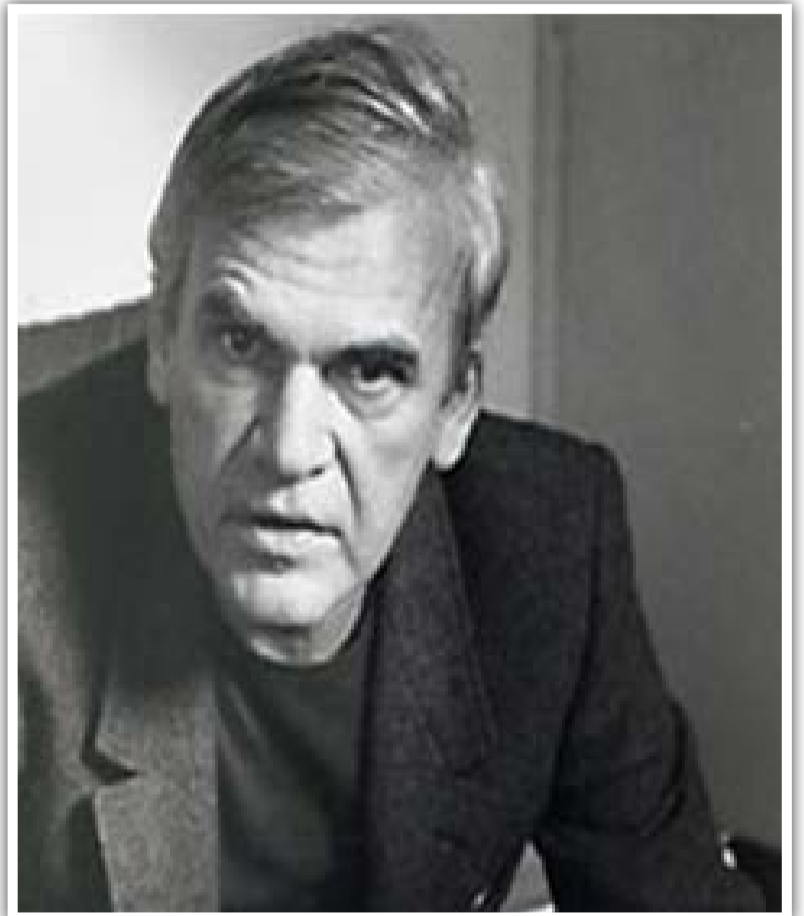
به‌محض پیروزی انقلاب اسلامی ایران و فرونشستن تمام هیاهوها، حکومت‌داری نوین آغاز یافت و ایران با چالش‌های کلان ملی و بین‌المللی مواجه گشت. مردم ایران پس از پیروزی انقلاب و آغاز حکومت‌داری اسلامی، خواست‌ها و انتظارات فراوانی داشتند که با توجه به مشکلاتی که دولت نوپا و انقلابی ایران با آن روبه‌رو بود، مجال رسیده‌گی به همه مطالبات، ممکن نبود و این سبب سرخورده‌گی و یأس برخی از انقلابیون شد. چنان‌که هر انقلابی، با چنین وضعیتی مواجه می‌شود و چه بسا نظام‌های برآمده از بستر انقلاب‌ها، نتوانسته‌اند به همه خواست‌ها و شعارها حتی در درازمدت نیز بپردازند. اما پیروزی انقلاب اسلامی ایران با مدیریت «امام خمینی»، درست زمانی که ایدیولوژی‌گرایی و تقابل‌های

فرا راه جمهوری اسلامی ایران، بحث فعالیت‌های هسته‌یی این کشور است که به‌نحوی دولت و ملت ایران را با تنگنای‌های فراوان سیاسی و اقتصادی و حتا خطر رویارویی نظامی با قدرت‌های غربی مواجه کرده است. هرچند دولت‌مردان ایرانی تاکنون بر سر حق استفاده خود از انرژی هسته‌یی تأکید می‌ورزند و تا کنون توانسته‌اند در گفت‌وگوها و چانه‌زنی‌های دیپلماتیک موفقیت‌هایی کسب کنند؛ اما شکی نیست که قدرت‌های مدعی، تا متقاعد کردن ایران در برابر خواست‌های‌شان، از هیچ کوشش و گزینه‌یی - حتا گزینه تهدید نظامی - دریغ نمی‌ورزند. بر این اساس، ادامه نظام جمهوری اسلامی، منوط به درایت بیشتر و مدیریت بهتر و آموختن از تجارب گذشته است. البته به روی کار آمدن آقای حسن روحانی، به عنوان یک چهره معتدل، در این مقطع از مناسبات و محاسبات بین‌المللی با ایران، یک شانس بلند سیاسی بود که توانست این کشور را از آنزوای نفس‌گیر گذشته نجات دهد و فصل جدیدی به روی تعاملات بین‌المللی آن بگشاید.

بخش دوم

بخش دوم

هایدگر، کوندرا و دیکنز



نویسنده: ریچارد رورتی

برگردان: هاله لاجوردی

در ادامه این مقاله به سه نکته خواهم پرداخت: اول آرایه شرحی از هایدگر به عنوان مثالی از آنچه نیچه «کشیش ریاضت‌کش» (the ascetic priest) می‌نامید؛ دوم، مرور سریعی بر شرح میلان کوندرا در مورد رمان به عنوان وسیله‌ی برای طغیان در برابر فلسفه و علم کلام و به عنوان واکنشی بر ضد فرهنگ غالب کشیش‌های ریاضت‌کش؛ سوم، دیکنز را هم‌چون مثالی برای تجسم این گفته کوندرا خواهم آورد که می‌گوید رمان ژانری است که نوعاً به دموکراسی تعلق دارد؛ ژانری که بیش از همه ژانرهای دیگر، با مبارزه برای آزادی و برابری گره خورده است.

آخرین کار هایدگر، تلاش برای یافتن صحیح‌ترین پاسخ به پرسشی بود که فلاسفه تخیلی آسیایی و آفریقایی من درباره آینده می‌پرسند. هایدگر به این فلاسفه توصیه می‌کند که تکنالوژی یعنی آنچه غرب را به نابودی کشید، نقطه عزیمت تفکر خود درباره غرب تلقی کنند و آن‌گاه، با اندکی یاری بخت، داستانی را که هایدگر گفته بود بازآفرینی کنند؛ داستانی که او نامش را تاریخ «وجود» گذاشته بود. از نظر هایدگر، حیات غرب از فلاسفه پیش از سقراط و آنچه او نامش را تمایز بین «چه» و «آن» می‌گذارد، آغاز می‌شود. جدایی بین چیستی فی‌نفسه یک چیز و رابطه‌ی که آن چیز با سایر چیزها دارد، به تمایز بین ماهیت و عرض، واقعیت و ظاهر، عین و ذهن، عقلایی و غیرعقلایی، علمی و غیرعلمی و مانند آن‌ها می‌انجامد. همه ثنویت‌هایی که دوره‌های تاریخ قدرت‌طلبی فزاینده و ناتوانی فزاینده را مشخص می‌سازد، یعنی آنچه هایدگر «به حال خود گذاردن موجودات» می‌نامید. تاریخی که هایدگر در این جمله نیچه خلاصه می‌کند: wüste wächst (صحرا رشد می‌کند یا خراب‌آباد گسترش می‌یابد). داستانی که هایدگر می‌گوید، به چیزی منتهی می‌شود که او «عصر تصویر جهانی» می‌نامد؛ عصری که

در آن همه چیز بسته‌بندی می‌شود و برای تصرف یا التذاذ زیبایی شناختی به ماده خام بدل می‌گردد. عصر بزرگ‌طلبی، عصر هیجان زیبایی‌شناسی تکنالوژیک، عصری که در آن مردم بمب‌های یک میلیون تنی می‌سازند و باران‌های مصنوعی ایجاد می‌کنند و می‌کوشند که هر سال هنری پست مدرن‌تر از سال قبل خلق کنند و صداها فیلسوف را گرد هم می‌آورند تا به مقایسه تصاویر آن‌ها از جهان بپردازند. هایدگر تمامی این‌ها را جنبه‌هایی از پدیده‌ای واحد می‌بیند: عصر تصویر جهانی، عصری که در آن آدمی به طور کامل وجود را فراموش می‌کند و از امکان وجود چیزی خارج از رابطه هدف - وسیله کاملاً بی‌خبر می‌ماند.

چنین نگرشی به مسایل، مثالی است از آنچه هابرماس «تجربید از طریق ماهیت‌گرایی» می‌نامد و آن را ویژه هایدگر می‌داند. هایدگر در سال ۱۹۳۵، روسیه استالینی و امریکای روزولتی را به لحاظ مابعدالطبیعی یکسان پنداشت، و در سال ۱۹۴۵ هولوکاست و اخراج اقوام آلمانی از اروپای شرقی را دو مثال از یک پدیده واحد دانست. به تعبیر هابرماس در یک‌سان‌نگری فیلسوف وجودی حتا نابودی قوم یهود نیز فقط واقعیهی مثل وقایع دیگر به نظر می‌رسد. در مقیاس کلی‌تر، هایدگر فراتر از محاسبه نسبی خرسندی انسانی می‌ایستد، از نظر او کامیابی‌ها و ناکامی‌ها - مثلاً موفقیت گاندی و شکست دوچه - فقط دغدغه‌های صوری و غفلت از ماهیت بر اثر توجه به جنبه‌های عرضی است و در راه فهم آنچه واقعاً اتفاق می‌افتد، مانعی به شمار می‌رود.

اجتناب هایدگر از توجه زیاد به هولوکاست نشان‌دهنده ضرورت توجه به لایه‌های زیرین یا پشت پرده روایت غرب برای یافتن ماهیت غرب است؛ ضرورتی که فلاسفه را از رمان‌نویسان جدا می‌کند، کسی که تن به این ضرورت داده است فقط برای کنار زدن ظواهر و آشکار ساختن واقعیت، داستان خواهد گفت. از نظر هایدگر، روایت همیشه ژانری فرعی

بیماری مادرزادی پرولاپس قلب

دختران بیش‌تر در خطر هستند

همان‌طور که ابتدای بحث اشاره کردیم، بیماری پرولاپس به‌طور مادرزادی در افراد دیده می‌شود؛ بنابراین عوامل ژنتیک تاثیرگذار اند. اگر فردی به این بیماری مبتلا شود، به احتمال زیاد یکی از اعضای خانواده‌اش مانند ماما، عمه یا کاکا به این بیماری دچار هستند. بیماری پرولاپس قلب بیش‌تر در خانم‌ها به طریق ژنتیک منتقل می‌شود و به ارث می‌رسد. برای مثال: اگر مادری به بیماری پرولاپس مبتلا شود، احتمال این‌که این بیماری به دخترانش منتقل شود، خیلی بیش‌تر از انتقال آن به پسرانش است.

افسرده‌گی را با پرولاپس اشتباه نگیرید

علائم این ناراحتی در سنین نوجوانی و جوانی در خانم‌ها به‌طور شایع‌تری دیده می‌شود. البته در بعضی مواقع پیش می‌آید که شخصی به این بیماری مبتلا شود، اما بازم هیچ علامت مشخصی از آن را نداشته باشد و وقتی فرد آزمایش اکوکاردیوگرافی را انجام می‌دهد، پزشک متخصص متوجه می‌شود درجه میترال دچار پرولاپس شده است. بنابراین خانم‌ها باید به علائم این بیماری که در مواقع عصبانیت بیش‌تر خود را نشان می‌دهد، توجه کنند. معمولاً پرولاپس درجه میترال را سندرمی می‌گویند که با علائم عصبی همراه است؛ البته وقتی افراد اضطراب، استرس یا سابقه افسرده‌گی دارند، ممکن است در کنار آن به ناهنجاری پرولاپس درجه میترال هم دچار باشند که در این شرایط این دو ناراحتی به هم ربطی ندارند. پرولاپس درجه میترال باعث بروز افسرده‌گی و اضطراب نمی‌شود، تنها موضوع مهم این است چون این افراد سابقه استرس دارند، دچار تپش قلب بالا می‌شوند و این برای‌شان ناخوشایند و دردناک خواهد بود و با کوچک‌ترین اضطرابی، ضربان قلب افزایش می‌یابد.



هر سال باید چک شوید

تشخیص نارسایی و ناهنجاری پرولاپس درجه قلب، از طریق سونوگرافی (معاینه تلوویزیونی) این عضو تشخیص داده می‌شود و فرد بیمار باید هر سال آزمایش اکوکاردیوگرافی را برای بررسی شرایط قلبی خود انجام دهد تا پزشک متخصص بفهمد که بیماری در چه مرحله‌ی قرار دارد و آیا روند آن پیشرفتی کرده است یا خیر. در موارد بسیار نادری ممکن است بیماری پرولاپس پیشرفت کند و فرد مبتلا نیاز به عمل جراحی درجه قلب داشته باشد؛ اما با این حال، احتمال شدت این بیماری در صورت تشخیص و درمان به موقع، بسیار کم است.

قلب میکروبی

برعکس این‌که شیوع بیماری پرولاپس درجه میترال در خانم‌ها بیش‌تر است، میزان پیشرفت این بیماری در مردان بیش از زنان مشاهده می‌شود. بیماری پرولاپس ناراحتی خطرناکی نیست، بنابراین عوارض چندانی به همراه ندارد و مشکل جدی برای بیمار ایجاد نمی‌کند، فقط باید علائم این بیماری را از بین برد که همان تپش قلب ناشی از تند شدن ضربان قلب، احساس درد در قفسه سینه است.

داروهایی که معمولاً برای درمان این علائم تجویز می‌شوند، ضربان قلب را کنترل می‌کنند و باعث می‌شوند تا درد و تپش قلب بیمار از بین برود. نکته بسیار مهم در پرولاپس درجه میترال به‌خصوص در بیمارانی که با نارسایی همراه است، درجه‌ها مستعد این هستند که دچار عفونت شوند. در یک جراحی کوچک به خصوص در جراحی‌های دهان و دندان به دلیل این‌که میکروب‌ها هنگام عمل در دهان پخش می‌شوند، با خون همراه می‌شوند و ممکن است این میکروب‌ها در جریان خون حرکت کنند و روی این درجه بنشینند و در این ناحیه عفونت ایجاد کنند. افرادی که به پرولاپس و نارسایی قلب دچار هستند، قبل از اعمال دندان‌پزشکی یا عمل‌هایی در دستگاه گوارش و مجرای ادراری‌شان، حتماً باید آنتی‌بیوتیک مناسب را طبق نظر پزشک مصرف کنند.

ابوحنیفه یا فردوسی؛

کدامیک برای زبان فارسی مهم تر است؟

مهران موحد

بخش نخست

معمولاً ما آدمها بر اساس کلیشه‌ها با مسایل و پدیده‌ها برخورد می‌کنیم. برای این‌که به درک دستی از یک مسأله برسیم، باید به‌دور از دیدگاه‌های کلیشه‌یی درباره آن مسأله بیندیشیم. بسیار اندک‌شمارند انسان‌هایی که خود را از قیدوبند کلیشه‌ها رهانیده باشند و بدون مینا قرار دادن دیدگاه‌ها و نظرات دیگران، کوشش کنند با پای خود راه بروند و با مغز خود بیندیشند.

یکی از این کلیشه‌های رایج این‌است که ابوالقاسم فردوسی، آفرینش‌گر شاهنامه، زبان فارسی را از نابود شدن رهایی داد و اگر فردوسی اقدام به سرودن شاهنامه نمی‌کرد، اکنون نشانی از زبان فارسی باقی نمی‌ماند و زبان فارسی در فهرست «زبان‌های منقرض‌شده» جای می‌گرفت.

فردوسی‌دوستان، حکایتی را دست به دست می‌چرخاند به این صورت که از حسنین هیکل، روزنامه‌نویس نام‌آور مصری، پرسیده شد که چرا ملت مصر، زبانش عربی شد اما فارسی‌زبانان با آن‌که مغلوب مسلمانان شدند و بسیاری از آن‌ها اسلام را پذیرفتند، زبان خود را دیگر نکردند. حسنین هیکل در پاسخ گفت: «ما عربی‌زبان شدیم چرا که فردوسی نداشتیم.»

مسئله این سخنی که از زبان حسنین هیکل در باب اهمیت و ارزش فردوسی برای فارسی‌زبانان نقل می‌کنند، هرگز بر زبان آقای هیکل جاری نشده و برساخته ذهن و خیال آن‌هایی است که ارادتت تا سرحد پرستش نسبت به فردوسی دارند و ارزشی بالاتر از حد معمول برای او قایل‌اند. هواداران افراطی ابوالقاسم فردوسی می‌خواهند او را «احیاکننده زبان فارسی» بدانند و برای اثبات این نکته از جعل و دروغ‌بافی هم ابایی ندارند.

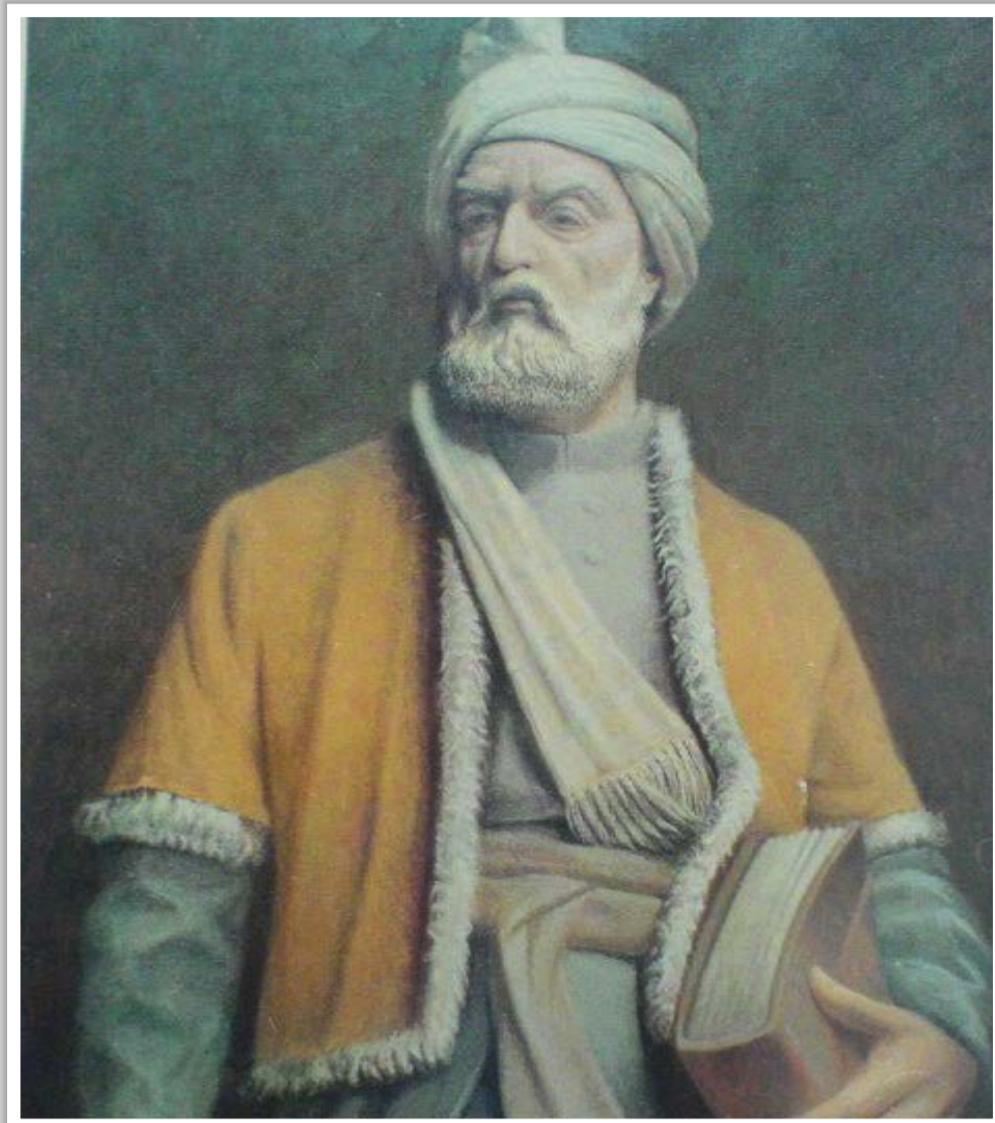
مسئله ابوالقاسم فردوسی با سرودن شاهنامه، کاری کرد کارستان و با به نظم در آوردن داستان‌های کهن و آیین‌ها و رسوم ایرانی‌ها (مقصودم از ایران، ایران تاریخی است نه ایرانی که فعلاً کشوریست در غرب افغانستان)، گنجینه‌یی بزرگ از فرهنگ را به جهانیان عرضه کرد و خدمتی بزرگ برای فارسی‌زبانان انجام داد و در واقع، بخش مهمی از «فرهنگ» آن‌ها را از فراموش شدن نجات داد. ولی این به این معنا نخواهد بود که اگر ما فردوسی نمی‌داشتیم، زبان خود را یک‌سره فراموش می‌کردیم و عربی‌زبان می‌شدیم؛ چرا که زبان فارسی، پیش از شاهنامه فردوسی هم زبانی زنده و پُرگوینده بود و نیازی به مسیحایی نداشت که آن را زنده کند و از نابودی رهایی دهد. حتا در سده‌های نخست تاریخ اسلام نیز، زبان مردم کوچه و بازار، فارسی بود و زبان عربی زبانی بود که بیشتر با آن، اصحاب علم و هنر و دیوان سر و کار داشتند و نیز مردم معمولی قدری از آن را یاد می‌گرفتند برای خواندن قرآن و ادای شعایر دینی. آن عده از دانشمندان و اصحاب فرهنگی که در سده‌های بعدی می‌خواستند با مردم عادی سخن بزنند، کتاب‌های خود را به فارسی می‌نوشتند. برای مثال، امام محمد غزالی وقتی در اواخر سده پنجم هجری قمری می‌خواست به دلیل کثرت فارسی‌زبانان «از بهر پارسی‌گویان و عوام خلق» بنویسد، مجبور شد خلاصه‌یی از کتاب سترگ «احیای علوم الدین» را از عربی به فارسی برگردان کند و نام آن را «کیمیای سعادت» بگذارد. شاهنامه فردوسی هم برای آن عده از مردمی سروده شده بود که به زبان فارسی آگاهی بیشتری داشتند تا زبان عربی.

بگذریم از این‌که سخنان روزنامه‌نگار ملی‌گرای مصری، نمی‌تواند ملاکی برای ما قرار بگیرد تا به شناخت جایگاه فردوسی دست یابیم. حسنین هیکل، صلاحیت اظهار نظر در چنین زمینه‌هایی را ندارد چرا که او - به گواهی نوشته‌هایش - آگاهی چندانی در باره این قبیل مباحث ندارد.

به هر حال، اگرچه نام اشخاصی چون فردوسی و سعدی و مولوی و حافظ و... با زبان فارسی گره خورده و صاحب‌نظران، زبان فارسی را وامدار این شخصیت‌ها می‌دانند؛ اما در واقعیت امر، کسان دیگری هم هستند که تلاش‌های آن‌ها در تقویت و تثبیت جایگاه زبان فارسی، خیلی مرکزی و گرانسنگ بوده است و چه بسا مرکزی‌تر و گرانسنگ‌تر از تلاش‌های شاعران و ادیبان نامدار قلمرو زبان فارسی؛ هرچند از خدمت آن‌ها به زبان فارسی یادی نمی‌شود و نقش آن‌ها در دفاع از زبان فارسی نادیده گرفته می‌شود. یکی از این شخصیت‌هایی که در حساس‌ترین شرایط، خیلی به زبان فارسی خدمت کرده، «امام ابوحنیفه» است که بعضی‌ها لقب «امام اعظم» به او می‌دهند.

ابوحنیفه، بنیادگذار فقه حنفی

امام ابوحنیفه جایگاه برجسته‌یی در میان فقیهان مسلمان دارد. او از سنین کودکی به اندوختن دانش، سرگرم بود و سال‌ها نزد یکی از بزرگ‌ترین فقیهان عراق، حماد بن ابی‌سلیمان، تلمذ کرد. ابوحنیفه بنیان‌گذار فقه حنفی است.



بیشترین مسلمانان - از بالکان گرفته تا چین - در حال حاضر، پیرو فقه حنفی هستند. ابوحنیفه پیش از آن‌که به فقه و فقهات روی بیاورد، به علم کلام اشتغال داشت و به همین دلیل است که او رویکردی عقل‌گرایانه‌تر نسبت به دیگران، درباره مسایل و دینی فقهی دارد. امام ابوحنیفه دیدگاه‌های مهمی را در زمینه روش شناخت قرآن و اسلام طرح کرده است. او سخت‌گیری زیادی در باب روایت‌های منسوب به پیامبر اسلام روا می‌داشت و از همین رو، در استنباط احکام بیشتر از آن‌که به حدیث اتکا کند، به نصوص عام شریعت و رأی و استحسان استناد می‌کرد.

امام ابوحنیفه در سال ۸۰ هجری در شهر کوفه چشم به گیتی گشود و در سال ۱۵۰ هجری در زندان منصور عباسی (همان خلیفه‌یی که با به کارگیری حیلت، ابومسلم خراسانی را به قتل رسانده بود) چشم از جهان پوشید. پدران او از اشراف‌زاده‌گان کابلی بودند. اگرچه بعضی‌ها پدر بزرگ او را از آن‌هایی می‌دانند که در جنگ با مسلمانان به اسارت درآمده بودند و سپس آزاد شده بودند؛ نواسه امام ابوحنیفه، اسماعیل بن حماد، این ادعا را به شدت رد می‌کند و می‌گوید که: «ما از پارسیان آزاده ایم (بناب فرس الاحرار) و برای یک لحظه هم هیچ‌یک از پدران ما در بردگی زنده‌گی نکرده است.» (تاریخ خطیب بغدادی). گفتنی است که در زبان عربی پیش و پس از اسلام بارها از «ایرانیان» به عنوان «آزاده‌گان» یاد شده است.

جلال‌الدین سیوطی، مورخ نامدار، و بیاضی، از علمای نامبردار مذهب حنفی، به صراحت نوشته‌اند که امام ابوحنیفه یکی از مصداق‌های روشن آن فرموده حضرت رسول است که باری فرمود: «اگر دانش (و بنا بر روایتی دیگر، اگر دین) در ستاره ثریا (پروین) می‌بود، مردانی از فارس موفق به دست یافتن به آن می‌شدند.» روشن است که این سخن را پیامبر اسلام در اشاره به قوم سلمان فارسی ایراد کرده است. پس معلوم می‌شود که نیاکان امام ابوحنیفه، ایرانی و فارسی‌زبان بوده‌اند.

پدر بزرگ امام ابوحنیفه، همنام نواسه‌اش بوده و نعمان نام داشته. او همان کسی است که باری در نوروز برای علی بن ابی طالب، خلیفه چهارم مسلمانان، فالوده‌یی (فالودج) به عنوان هدیه تقدیم کرد. علی از او سپس‌گزارای کرد و گفت: «هر روز ما نوروز است و به ما هر روز از این فالوده‌ها بدهید.» (وفیات الاعیان، ابن خلکان) ظاهراً علی بن ابی طالب، خیلی از «فالوده» که غدایی بوده که در میان عرب‌ها پیش از اختلاط با فارسی‌زبانان رایج نبوده، خوشش آمده بوده است.

علی‌رغم اختلاف روایت‌ها، روایت مشهورتر و صحیح‌تر

حال مخاطبان خود و مردمان جامعه آن روز عراق را که بیشترین در محیط و فرهنگی فارسی نشو و نما یافته بودند، می‌کرد. بی‌جهت نیست که مسایلی که در فتوای فقهی ابوحنیفه مطرح شده، هیچ‌گاهی در نزد فقیهان دیگر مذاهب یافت می‌نشود؛ چه این‌که فضای اجتماعی و سیاسی عراق آن زمان، فضایی پیچیده بود و پرسش‌هایی در آن مرز و بوم، زمینه طرح شدن داشت که اصلاً خبری از آن پرسش‌ها در سرزمین‌های دیگر نبود.

یکی از فتوای جنجال‌ساز و بحث‌برانگیز امام اعظم، فتوای او در باب «جواز نماز خواندن به زبان فارسی» است. هر صاحب‌نظری وقتی در مقام تحلیل و بررسی این فتوا، وضعیت سده یکم و دوم و سوم هجری جهان اسلام را در نظر بگیرد، اعتراف خواهد کرد که چنین فتوایی در چنان اوضاع و احوالی، فتوایی به‌شدت انقلابی بوده و شهامتی اخلاقی می‌طلبیده که چنین شهامت اخلاقی‌یی را تنها در معدود آدم‌هایی همچون امام ابوحنیفه سراغ می‌توان کرد. امام ابوحنیفه با صادر کردن چنین فتوایی، در واقع خود را در معرض سهمگین‌ترین انتقادات و عیب‌جویی‌ها قرار داد.

دشمنی عرب‌گرایان با زبان فارسی در زمان ابوحنیفه در دوره‌یی که امام ابوحنیفه زنده‌گی می‌کرد، عرب‌پرستی حاکمان مسلمان به اوج خود رسیده بود و آدم‌ها گاهی به‌خاطر نسب فارسی‌شان مورد طعن و لعن قرار می‌گرفتند و بی‌حرمت می‌شدند. دوره کودکی و نوجوانی ابوحنیفه در زمان حاکمیت حجاج بر عراق سپری شده بود. حجاج - چنان‌که کتاب‌های تاریخ می‌نویسند - به‌شدت با فارسی‌زبانان دشمنی می‌ورزید و در خوارداشت آنان از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزید و آن‌ها را فقط به خاطر این‌که تباری پارسی داشتند، سرکوب می‌کرد یا به جوخه اعدام می‌سپرد. در دوران بنی‌امیه و پس از آن، عرب‌ها «مسلمانان فارسی‌زبان» را موالی (آزادشده‌گان) می‌نامیدند که طبعاً این واژه، بار معنایی شدیداً تحقیرآمیزی داشت. در واکنش به سیاست‌های تبعیض‌آلود عرب‌ها، جنبشی از میان فارسی‌زبانان پیدا شد به نام «شعوبیه» که اعضای آن، با الهام از آیت‌های قرآنی، تأکید روی برابری میان انسان‌ها می‌کردند و معیار فضیلت را تقوا و پرهیزگاری می‌شمردند. آن‌ها می‌کوشیدند به عرب‌ها بفهمانند که عرب‌ها بر دیگران برتری ندارند که بدان بهانه بخوانند بر دیگران فخرفروشی کنند و دیگر نژادها را بیازارند. اگرچه بعدها که شعوبیان احساس کردند تلاش‌های‌شان در زمینه تبلیغ برابری میان نژادها راهی به دهی نمی‌برد، رادیکال‌تر شدند و حتا در طعن و تحقیر عرب‌ها کوشش کردند و آنان را موجوداتی عقب‌مانده و نائشنا با فرهنگ و مدنیت معرفی کردند و اشعاری در نکوهش عربان سرودند و اعاجم و فارسی‌زبانان را برتر از آن‌ها و خردمندتر از آنان قلمداد کردند که البته تا حدود زیادی در تبلیغات خود برضد عربان، کامیاب هم شدند.

در همان زمانی که امام ابوحنیفه، نمازگزاران به زبان فارسی را اجازت داد و بلاشکال شمرد، جریان نیرومندی در میان مسلمانان وجود داشت که می‌کوشید هرچیزی را که مربوط به عراقی‌ها و خراسانیان (اعاجم) می‌شد، طرد کند و به حاشیه براند. حتا فقیهانی در میان مسلمانان بودند که «ترجمه قرآن به فارسی» را روا نمی‌شمردند، چه رسد به این‌که اجازه دهند ترجمه فارسی آن در نماز خوانده شود. برای این‌که بهتر بدانیم چه ذهنیت منفی‌یی نسبت به زبان فارسی و فرهنگ فارسی در سده‌های نخست تاریخ اسلام در میان بخش مهمی از مسلمانان وجود داشته و یکی از جریان‌های فکری مسلط، این ذهنیت منفی را ترویج می‌کرده، مناسب‌است چیزهایی را که این تیمیه در این باره نوشته است، در این‌جا نقل کنیم. اگرچه این تیمیه حرانی در اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری می‌زیست، ولی در کتاب‌هایش دیدگاه‌های مسلط در سده‌های نخست تاریخ اسلام (دوره‌های صحابه و تابعین و تبع تابعین) را نقل می‌کند و البته آن دیدگاه‌ها را تأیید هم می‌کند. ابن تیمیه می‌نویسد: «شکی نیست که عادت کردن به سخن زدن به زبانی جز زبان عربی، مکروه است؛ چرا که زبان عربی، شعار اسلام و زبان قرآن است و سخن زدن به زبانی جز زبان عربی، «تنبه به اعاجم» است. از همین رو بود که مسلمانان نخستین، وقتی در شام و مصر که زبان مردمان آن سرزمین‌ها رومی بود، رحل اقامت افکندند و یا در سرزمین عراق و خراسان که مردمانش فارسی‌زبان بودند، اقامت گزیدند و یا به مغرب آمدند و زبان مردم آن‌جا بربری بود؛ مردم این سرزمین‌ها را به زبان عربی آشنا ساختند تا این‌که همه مردم این شهرها - اعم از مسلمان و کافر - به زبان عربی سخن گفتند. خراسان هم در اول، همین وضعیت را داشت. سپس خراسانی‌ها نسبت به زبان عربی بی‌اعتنایی کردند و به فارسی سخن زدند تا این‌که آهسته‌آهسته عربی را به طاق فراموشی سپردند و بسیاری از آن‌ها عربی را به کلی ترک کردند. اما بی‌گمان، این کار آن‌ها کار ناشایستی بوده است.

روش درست‌تر این‌است که آدم‌ها از زمان کودکی و دوره‌یی که در مکتب‌خانه درس می‌خوانند، به سخن گفتن به عربی عادت داده شوند و بدین‌گونه شعار اهل اسلام گسترش یابد. آشنایی با زبان عربی، فهم معانی و مفاهیم قرآن و سنت و اقوال سلف را آسان می‌سازد. بدان که سخن گفتن به زبان عربی، روی خرد و اخلاق و دین تأثیر نیرومند و آشکاری می‌گذارد و باعث شباهت یافتن بیشتر با مسلمانان سده‌های نخست اسلام - اعم از صحابه و تابعین - می‌شود و طبعاً مشابهت یافتن به آن‌ها، عقل و اخلاق و دین را کامل‌تر می‌سازد.

نشان می‌دهد که اصل ابوحنیفه از کابل است. طبعاً کابل دوران فتوحات اسلامی، خیلی بزرگ‌تر از کابل فعلی بوده است. دکتر عنایت‌الله ابلاغ در کتابی که به عنوان «ابوحنیفه المتکلم» نوشته، می‌نگارد که جد امام ابوحنیفه از خواجه سیاران بالا یا استرغچ (خواجه سیاران بالا در حومه چاریکار، مرکز ولایت پروان موقعت دارد و استرغچ یکی از روستاهای ولایت کاپیصاصت) بوده است. آقای عنایت‌الله ابلاغ، این سخن را با اتکا به حرف‌های مورخان در باره زادگاه پدران امام ابوحنیفه طرح کرده است. شاید به همین مناسبت است که در مرکز استان پروان، لیسه‌یی (دبیرستانی) را به نام «لیسه نعمان» مسما کرده‌اند که یکی از لیسه‌های مهم افغانستان است.

با توجه به همین اصالت فارسی و کابلی امام ابوحنیفه بود که منتقدان و مخالفانش، در دوره‌یی که آوازه‌اش همه شهرهای اسلامی را درنوردیده بود، او را منتهم می‌کردند به این‌که چندان آشنایی‌یی با دستور زبان عربی ندارد و قواعد این زبان را در هنگام سخن گفتن، رعایت نمی‌کند.

امام ابوحنیفه در قیاس با دیگر پیشوایان مذاهب فقهی، اتکای بیشتری به عقل و خرد انسانی داشت و نیز در مقایسه با دیگران، روش سنت‌شکنانه‌یی را در استنباط احکام فقهی برگزیده بود. از این رو، حاسدان و دشمنان ابوحنیفه، او را به اتهام‌های عجیب و غریبی منسوب می‌کردند و کوشش می‌کردند ذهنیت مسلمانان را نسبت به او خراب کنند. اما علی‌رغم تبلیغات زهرآگینی که برضد امام ابوحنیفه صورت می‌گرفت، فقه حنفی - که مرکب از اقوال او و اقوال شاگردانش است - توانست در دل‌ها نفوذ کند و توجه اکثریت مطلق مسلمانان را به خود جلب کند و هواداران پُرشماری در شرق و غرب جهان اسلام برای خود دست و پا نماید.

امام اعظم و زبان فارسی

امام اعظم از یک‌سو، اجدادش فارسی‌زبان و کابلی بودند و از سوی دیگر، خودش هم در محیطی فارسی‌زبان بزرگ شده بود و پرورش یافته بود؛ چرا که در اواخر سده نخست هجری و نیمه نخست سده دوم هجری، عراق جمعیت فراوان فارسی‌زبان را در خود جای داده بود و این موجب گشته بود که امام ابوحنیفه با فرهنگ و زبان فارسی آشنایی پیدا کند و با مردمان پارسی‌گو مرادوه داشته باشد و تا حدودی دلبسته این فرهنگ و زبان شود؛ چرا که به گفته مولانا در مثنوی: «هر کسی کو دور ماند از اصل خویش/ باز جوید روزگار وصل خویش.»

امام ابوحنیفه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین فقیهان عراق، در هنگام صادر کردن فتواها و طرح دیدگاه‌های خود، رعایت

چرا تیم تحول و تداوم کنار رود؟!

داکتر عبدالله + استاد سیاف + زلمی رسول + گل آقا شیرزی
اشرف غنی احمدزی + داوود سلطانزوی



وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی:

مشکلات انترنی ۹ وزارت حل شد

وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی به یازده تن از جوانانی که برنده برنامه تکنالوژی معلوماتی بنام (دیوه) شناخته شده بودند، جایزه اهدا کرد.

مسوولان این وزارت روز سه شنبه در یک نشست خبری در کابل، هدف این برنامه را رشد تکنالوژی معلوماتی در کشور و تشویق جوانان در این عرصه عنوان کردند.

در همین حال، جوانانی که در این برنامه برنده شناخته شده اند، می گویند: تلاش دارند تا در بخش تکنالوژی معلوماتی ابتکارات جدید را در کشور ارایه نمایند.

وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی افغانستان می گوید، با استفاده از برنامه آزمایشی بنام (دیوه) توانسته است که با همکاری برخی جوانان مشکلات حدود ۹ وزارت را در بخش تکنالوژی معلوماتی حل نماید.

امیرزی سنگین وزیر مخابرات تکنالوژی معلوماتی روز سه شنبه در یک نشست خبری در کابل گفت، در این برنامه آزمایشی کار و تجارب عملی یازده جوان در بخش تکنالوژی ارزیابی گردید و به پاس این تلاش هایشان به آنان جوایز اهدا شد.

امیرزی سنگین گفت: ما می خواهیم که به جوانان کشور یک راه تشویقی را ایجاد نماییم، تا جوانان ما بتوانند با استفاده از تکنالوژی معلوماتی راه های حل را برای حکومت و مردم ما ایجاد نمایند. این نخستین گام است، اما برای ما امیدواری می بخشد در همین مرحله نخست ۱۱ جوان برنده داریم و این باعث امیدواری ما شده است که در آینده صد ها جوانی را داشته باشیم که در بخش تکنالوژی معلوماتی کشور نو آوری های داشته باشند.

به اساس معلومات وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی افغانستان، برنامه (دیوه) سال گذشته



از سوی این وزارت اعلام گردید که به اساس آن، جوانانی می توانند در این برنامه اشتراک نمایند که توانایی های چون طرح نظریات در بخش تکنالوژی، پلان های تطبیقی، ساختن سافت ویر ها و دیتابیس ها داشته باشند.

به گفته مسوولان این وزارت، از میان ۴۰ تن از اشتراک کننده گان این برنامه آزمایشی ۱۱ تن توانستند به این برنامه راه پیدا کنند.

در همین حال، جوانانی که در این برنامه برنده شناخته شده اند می گویند، تلاش دارند تا در بخش تکنالوژی معلوماتی ابتکارات جدید را در کشور به وجود آورند.

عبدالواجد آرین یک تن از برنده های جایزه برنامه (دیوه) در مورد تلاش هایش در این بخش با رادیو آزادی چنین گفت: موضوع من این بود که چطور بتوانیم سیستم گزارش دهی وزارت معارف را انکشاف دهیم و چگونه گزارش های سالانه از ولایات به مرکز انتقال دهیم.

مسوولان وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی افغانستان می گویند که هزینه این برنامه یک میلیون دالر می باشد که از سوی بانک جهانی پرداخته می شود.

به گفته وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی، با استفاده از خدمات های مخابراتی، اکنون رقم بیشتر مردم در کشور از طریق تلفون و انترنت با هم وصل شده اند.

اما هنوز هم مردم افغانستان از پایین بودن کیفیت و بلند بودن نرخ استفاده از خدمات مخابراتی شکایت دارند.

سیاست مداران بانفوس ناکام بوده است. برعکس تیم اصلاحات و همگرایی به رهبری داکتر عبدالله عبدالله توانسته اجماع کلان سیاسی را شکل دهد که این مسأله پیروزی این تیم را قطعی ساخته است.

با توجه به این وضعیت، تیم اشرف غنی احمدزی تنها به تقلب دلخوش کرده است؛ تقلب از جانب کمیسیون های انتخاباتی و برخی از مهره های تأثیرگذار در درون دولت.

باتوجه به بلندرفتن میزان رأی داکتر عبدالله، اخیراً این نظریه به تیم انتخاباتی تحول و تداوم پیشنهاد شده است که به خاطر این که نتیجه انتخابات مشخص است و نامزد دوم چهارده درصد از نامزد اول فاصله دارد، خوب است که به خاطر منافع ملی، سلامت افغانستان و جلوگیری از هدر رفتن دارایی عامه و ... به تیم پیشتاز بپیوندند.

همچنان قرار است طی روزهای آینده، شماری از نامزدان دیگر انتخابات ریاست جمهوری، احزاب سیاسی و شخصیت های با نفوذ دیگر نیز از تیم اصلاحات و همگرایی حمایت کنند.

او ژمنی هم غواړي او دا بې حق هم دی چې له خپلو خدمتگارانو غوښتنې ولري.

هغه فساد، نا امنی، د قانون نه حاکمیت، ولر، بېکاري او نورې ستونزې اساسي ستونزې وبللې چې په وینا یې د نوموړي حکومت به ورته جدي پام ولروي.

په همدې حال کې د ملي انسجام گوند د یوې بلې جلا ناستې په لړ کې خپل ملاتړ له داکتر عبدالله عبدالله اعلان کړ. د دې گوند مشر نور اکبري په خپله وینا کې داکتر عبدالله ملي شخصیت او تیم یې ملي تیم وباله چې په وینا یې کولای شي هېواد له اوسنیو ستونزو خلاص کړي.

د اصلاحاتو او همپالنې د تیم مشر داکتر عبدالله عبدالله په یوې بلې جلا غونډه کې چې د ملي انسجام گوند ترې په کې ملاتړ اعلان کړ، خپلو پلویانو ته په وینا کې وویل، چې له ده نه به په ملاتړ کولو نه پښیمانه کېږي.

هغه ځان او تیم یې اسلامي جمهوریت ته ژمن وباله او ویې ویل، چې د غبرگولي په ۲۴ نېټه د افغان ملت په ملاتړ د اصلاحاتو او همپالنې تیم بریالی راوځي.

داکتر عبدالله عبدالله یو ازاد، سرلوری او با عزت افغانستان ته ځان ژمن وباله او ویې ویل، چې حکومت به یې له فساد، بې عدالتۍ او د قانون له نه حاکمیت سره مبارزه کوي.

زلمی رسول در دور نخست انتخابات ۱۱ درصد، استاد سیاف بیش از ۷ درصد و گل آقا شیرزی هم نزدیک به ۶,۱ درصد آرای شهروندان کشور را کسب کرده بودند.

در کنار نامزدان برجسته انتخابات ریاست جمهوری، شماری از چهره های مهم سیاسی، از جمله برادران رییس جمهوری کرزی، رؤسای مجلسین شورای ملی (عبدالرؤف ابراهیمی و فضل هادی مسلمیار)، بیش از ۲۰۰ عضو شورای ملی و ... برخی دیگر از شخصیت های و سازمان های سیاسی، حمایت شان را از نامزدی داکتر عبدالله عبدالله اعلام کردند.

این درحالی است که تنها داوود سلطانزوی از نامزدان ریاست جمهوری به تیم تحول و تداوم به رهبری آقای احمدزی پیوسته است.

آقای سلطانزوی پس از هدایت امین ارسالا کمترین رأی را در انتخابات به دست آورده بود. این مسأله نشان می دهد که تیم اشرف غنی احمدزی در جلب حمایت نامزدان برجسته انتخابات ریاست جمهوری و رهبران سیاسی،

تیم استاد عبدرب الرسول سیاف روز گذشته رسماً حمایت خویش را از تیم اصلاحات و همگرایی به رهبری داکتر عبدالله عبدالله نامزد پیشتاز انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد.

در مراسمی که به همین مناسبت در کابل برگزار شده بود، امیر اسماعیل خان و مولوی عبدالوهاب عرفان معاونان استاد سیاف، عبدالرؤف ابراهیمی رییس مجلس نماینده گان، فضل هادی مسلمیار رییس مجلس سنا، شماری از اعضای شورای ملی و برخی از چهره های برجسته مذهبی حضور داشتند.

آن ها در این نشست، داکتر عبدالله را یک شخصیت مجاهد و صادق به افغانستان خواندند و گفته اند که با تمام قدرت برای پیروزی او مبارزه خواهند کرد.

پیش از این، زلمی رسول نامزد سوم دور نخست انتخابات ریاست جمهوری و تیمش، گل آقا شیرزی و تیمش، حمایت شان را از داکتر عبدالله عبدالله و تیم اصلاحات و همگرایی اعلام کرده بودند.

په ملاتړ کولو به مو پښیمانه...

سره راټول شي: ((دا خاوره چې تر پرونه د اتلانو خاوره او کور یادېده؛ نن د بې غوریو له امله د نړۍ تر ټول فاسد هېواد یادېږي. یو اشاریه شپږ میلیونه روږدي کسان لري. په نشه یې توکیو کې لومړی مقام لري. راځئ یو بل ته سره لاسونه ورکړو او په دې خاوره کې یو اسلامي حکومت قایم کړو. راځئ داسې حکومت راولو چې هرڅوک په کې د عزت ژوند وکړي. او هر څوک د عبدالله عبدالله تر قیادت لاندې ځان مصوون وگڼي.))

د استاد سیاف لومړي مرستیال وویل، ټول په دې پوهېږي چې د مجاهدينو او مسلمان افغان ملت یووالی کولای شي ستونزو ته د پای ټکی کېږدي او هیله یې وکړه، چې یو ځل بیا خلک په خورا مینې د رایو صندوقونه لار شي او رایه ورکړي.

دغه راز د استاد سیاف دویم مرستیال مولوي عبدالوهاب عرفان هم خبرې وکړې او ویې ویل، چې تیم یې له ډېرو سلا مشورو وروسته د یوې کره او دقیقې محاسبې په پای کې خپل ملاتړ د داکتر عبدالله عبدالله په مشرۍ د اصلاحاتو او همپالنې له تیم نه ملاتړ اعلان کړ. هغه له خپلو ټولو پلویانو وغوښتل چې په دویم پړاو ټاکنو کې داکتر عبدالله عبدالله ته رایه ورکړي او د بریالیتوب په برخه کې یې له هېڅ ډول هڅو دریغ ونه کړي.

نوموړي له داکتر عبدالله نه وغوښتل، چې د قانون حاکمیت، د فساد له منځه وړلو، د امنیت د تامین، د سولې راوستلو، د فقر ورکولو او نشه یې توکیو د له منځه وړلو په برخه کې جدي هڅې او مبارزې وکړي.

د ولسمشرۍ نوماند داکتر عبدالله د استاد سیاف له ټاکنیز تیم نه د مننې ترڅنګ وویل، که څه د فکر، مبارزې او عقیدې له مخې هېڅکله له استاد عبدالرب رسول سیاف او نورو مجاهدينو لرې نه و، خو د ویاړ ځای دی چې دغه ملي تیم ترې ملاتړ وکړ.

نوموړي یو ځل بیا د خلکو او هېواد پر وړاندې ژمنو ته ځان رښتینی وگانه او ویې ویل، دې موخو ته د رسېدو لپاره به تل په گډه سره هڅې کوي. داکتر عبدالله وویل، افغان ملت د دې ورځې په تمه و او دوی هم چې یو بل له نږدې او پخوا نه په دې باور و، چې د ملاتړ دا ورځ راتلونکې ده.

ده زیاته کړه چې دا بې کار پای نه بلکې پای دی، ځکه له یوې خوا به په دویم پړاو ټاکنو کې افغان ملت او د ملت تیم بریالی کېږي او له بلې خوا به د اصلاحاتو او همپالنې تیم له خپلو ملاتړو سره یو ستونزمن سفر پیلوي، ځکه ټول خلک ترې هیلې او تمې لري: ((کله چې ټول افغان ملت په خپلو رایو موږ بریا ته رسوي، نو له موږ نه هیلې او تمې هم لري. له موږ رښتینی تعهد

امریکا:

ما متعهد به دفاع از افغانستان نشده ایم طالبان آزاد شده تهدید نیستند



بارک اوباما، رئیس‌جمهور ایالات متحده امریکا از تبادل پنج زندانی طالبان با یک سرباز اسیر امریکایی دفاع کرد. اپوزیسیون جمهوریخواهان ایالات متحده امریکا در مورد این معامله از رئیس‌جمهور انتقاد کرده است.

اوباما روز سه شنبه (۱۳ جوزا/ ۳ جون) گفت که با توجه به نگرانی در مورد صحت بویی برگدال و مکلفیت‌اش در آزادی نظامیان گرفتار شده امریکایی، فرصتی برای معامله سریع می‌دید: «ما از این فرصت استفاده کردیم.»

ایالات متحده امریکا در بدل آزادی این سرباز امریکایی پنج زندانی طالبان را از گوانتانامو آزاد کرد و به قطر فرستاد. قانونگذاران امریکایی شکایت کرده اند که رئیس‌جمهور باید ۳۰ روز قبل به آنها در این رابطه اطلاع می‌داد. اما اوباما گفت که با کانگرس برای یک مدت در این رابطه مشوره شده است، اما فرصت برای مشوره کامل وجود نداشت.

«زندانیان رها شده برای افغانستان تهدید نیستند»

این پنج زندانی طالبان با میانجیگری دولت قطر با بویی برگدال سرباز امریکایی که در اسارت طالبان بود، تبادل شدند و پس از آزاد شدن از زندان گوانتانامو، به دولت قطر سپرده شده اند. سفارت امریکا در کابل می‌گوید آزادی این زندانیان، تهدیدی را متوجه امنیت افغانستان نمی‌کند. جیمز کنگنهم، سفیر ایالات متحده امریکا در افغانستان روز سه شنبه در یک کنفرانس خبری در کابل گفت: «ما موافقتنامه‌یی نداریم که آن‌ها [زندانیان آزاد

شده طالبان] را به افغانستان بیاوریم. در این مورد همواره توجه شده که آن‌ها به دوحه خواهند رفت. من در مورد جزئیات این معامله چیزی گفته نمی‌توانم اما مطمئن هستیم که آن‌ها دیگر تهدیدی علیه امریکا و علیه افغانستان نیستند.»

این درحالی است که دولت افغانستان سپردن زندانیان طالبان به دولت قطر را محکوم کرده و گفته هیچ کشور خارجی حق ندارد شهروندان افغانستان را از یک زندان خارجی به زندان خارجی دیگر منتقل کند.

عبدالحق وثیق، معاون استخبارات طالبان، محمد فاضل مظلوم معاون وزیر دفاع طالبان، ملا خیرالله خیرخواه وزیر داخله طالبان، نورالله نوری والی طالبان در بلخ و محمد نبی عمری مسئول استخبارات طالبان در زابل از مطرح ترین چهره های نظامی و سیاسی طالبان هستند که با یک سرباز امریکایی از سوی ایالات متحده امریکا تبادل شده اند.

واکنش به حملات موشکی در حالی که حکومت افغانستان از ایالات متحده امریکا خواسته است تا براساس موافقتنامه استراتژیک، در برابر حملات راکتی پاکستان با افغانستان همکاری کند اما سفیر امریکا گفت کشورش متعهد به واکنش نظامی نشده است.

در متن موافقتنامه استراتژیک بین افغانستان و امریکا آمده است که ایالات متحده امریکا تجاوز بیرونی به افغانستان را موجب نگرانی شدید خود می‌پندارد و در صورتی وقوع چنین رویدادی طرفین اقدامات سیاسی، اقتصادی و نظامی را مطابق با قوانین اساسی شان انجام می‌دهند.

ولی آقای کنگنهم گفت: «در رابطه به موافقتنامه استراتژیک، من سند را فعلا پیش رویم ندارم، اما این موافقتنامه نیروهای امریکا را متعهد به کدام عملکرد نظامی نمی‌کند.»

سفیر امریکا گفت کشورش تلاش‌های خود را به خرج می‌دهد تا به این معضل در مرز بین افغانستان و پاکستان پایان دهد. این درحالی است که پرتاب راکت از خاک پاکستان به ولایت کنر در روزهای اخیر شدت یافته و حکومت افغانستان گفته است در صورتی که تلاش‌های دیپلماتیک برای قطع این حملات نتیجه ندهد، آماده پاسخ نظامی می‌باشد.

در همین حال سفارت امریکا در کابل می‌گوید ایالات متحده امریکا براساس موافقتنامه استراتژیک به حمایت‌های خود از افغانستان ادامه می‌دهد.

رئیس مجلس سنا:

امریکا تمامیت ارضی افغانستان را زیر سوال برد



رئیس مجلس سنا افغانستان با انتقاد تند از سپردن زندانیان طالب به قطر، این اقدام امریکا را برخلاف حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان عنوان کرد.

فضل هادی مسلم‌یار که در جلسه روز سه شنبه مجلس سنا صحبت می‌کرد، گفت: «از آزادی ۵ زندانی ارشد طالبان خوشحالم. ای کاش این زندانیان در کابل تبادل می‌شد. متأسفانه حکومت افغانستان به ویژه شورای صلح چنین ظرفیتی را ایجاد کرده نتوانستند. سرباز امریکایی در خوست تحویل گرفته می‌شود؛ اما زندانیان طالب به حکومت قطر سپرده می‌شوند؛ این مساله خندآور است.»

آقای مسلم یار، این اقدام امریکا را نکوهش کرد و آن را برخلاف تمامیت ارضی کشور دانست.

او افزود: «ما به شدت از امریکا ناراحت هستیم، زیرا این اقدامش تمامیت ارضی افغانستان را زیر سوال می‌برد.»

رئیس مجلس سنا، این مساله را ناشی از ضعف شورای عالی صلح دانست و آن را برای این شورا شرم آور خواند.

همچنین، آقای مسلم یار اظهار امیدواری کرد که آزادی این ۵ زندانی طالبان از گوانتانامو،

زمینه را برای تحقق صلح در افغانستان فراهم سازد.

دو روز پیش؛ ۵ زندانی طالب با میانجگری کشور قطر به منظور تبادل با یک سرباز امریکایی از سوی امریکا به دوحه منتقل شدند. اما سرباز امریکایی در خوست تحویل گرفته شد.

بریکدال، سرباز امریکایی در سال ۲۰۰۷، ۵ سال پیش از امروز در ولایت خوست به اسارت طالبان در آمده بود.

تبادل زندانیان طالب، واکنش‌های را در داخل امریکا نیز به همراه داشت.

جمهوری خواهان امریکا از این اقدام بارک اوباما انتقاد کرد و آن را مغایر با اصول این کشور در خصوص مبارزه با تروریسم جهانی دانست.

شش کشته و ۹ زخمی در درگیری طالبان و پولیس فراه



طی درگیری ۵ ساعته میان قوای طالبان و نیروهای پولیس در ولایت فراه، ۱۵ تن از مخالفان دولت کشته و زخمی شدند.

مسوولان امنیتی این ولایت گفته اند که این درگیری حوالی شب گذشته (سه شنبه) در ولسوالی پشترود صورت گرفته است.

به گفته سخنگوی پولیس فراه، این درگیری‌ها از آنجا آغاز شد که ده‌ها تن از طالبان مسلح بالای پاسگاه‌های پولیس حمله ور شده و قصد تصرف آنجا را داشته‌اند.

جاوید کارگر به خبرگزاری جمهور گفت: در این زد و خورده ۶ تن از مخالفان مسلح کشته و ۹ تن دیگرشان زخمی شدند.

این مقام در فرماندهی پولیس فراه افزود که

یک تن از سربازان پولیس ملی هم در این زد و خوردها زخم برداشته است.

گفته شده که هم‌اکنون، اوضاع آنجا زیر کنترل قوای دولتی قرار دارد.

گروه طالبان تاکنون در این رابطه توضیحی نداده است.



فابریکاس در یک قدمی چلسی



روزنامه «الموندو دپورتیو» از پیوستن سسک فابریکاس به چلسی قبل از جام جهانی ۲۰۱۴ خبر داد. فرانک لمپارد، هافبک با سابقه چلسی پس از ۱۳ فصل این تیم را ترک کرد تا مسوولان این باشگاه لندن به دنبال جذب جانشینی مطمئن برای او باشد.

روزنامه «الموندو دپورتیو» گزارش داد: فابریکاس که در حال حاضر در لندن به سر می‌برد با مسوولان باشگاه چلسی مذاکره داشته و توانسته به توافقات اولیه دست یابد.

این روزنامه اعلام کرد قرارداد فابریکاس با چلسی پیش از جام جهانی امضا شود.

فابریکاس پیش از حضور در بارسلونا چند فصل در تیم آرسنال بازی کرد. او از تیم‌های منچستر سیتی، آرسنال، چلسی و لیورپول برای فصل آینده پیشنهاد داشته است. فابریکاس فصل گذشته دو بار پیشنهاد پیوستن به منچستر یونایتد را رد کرد.

مارکینیوس:

بارسلونا تیم بزرگی است؛ من باید منتظر تصمیم باشگاه پاریس ژرمن باشم



شکاند و داوید لویز را با مبلغ ۴۹ میلیون یورو خریداری کرد. این در حالی بود که قوانین فیر پلی مالی یوفا این باشگاه را تحت فشار قرار داده بود؛ به همین دلیل پاریس ها برای فرار از محرومیت مجبور هستند تا برخی از بازیکنان خود را به فروش برسانند.

مارکینیوس که سابقه حضور در تیم زیر ۲۰ سال‌های برزیل را دارد بیان کرده که باشگاه پی اس جی باید اجازه خروج وی را صادر کند تا بتواند در مورد آینده اش تصمیم گیری کند.

او به TV3 گفت: «بارسلونا تیم بزرگی است، من قصد دارم صبر کنم و ببینم باشگاه پی اس جی چه تصمیمی خواهد گرفت.»

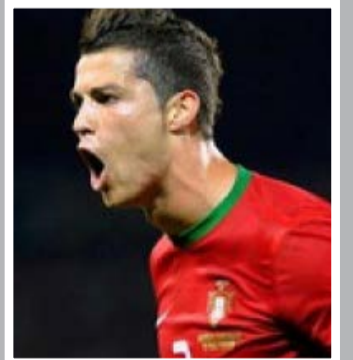
این علاقه باشگاه‌ها به من ثابت می‌کند که بازی‌های خوبی به نمایش گذاشته ام اما هنوز به اثبات خیلی از چیزها نیاز دارم.»

مارکینیوس تا سال ۲۰۱۸ با باشگاه پی اس جی قرارداد دارد.

ورزش

مسوولان تیم ملی پرتغال:

رنال مادرید، مسوول عدم بهبود کریس رونالدو است!



برای حل مشکل مصدومیت رونالدو تا این لحظه چندان ثمربخش نبوده است.

همین امر باعث شده تا کادر فنی تیم دچار نگرانی شود. به باور پائولو بنتو، سرمربی پرتغالی‌ها و دستیارانش، مقصر اصلی در عدم بهبودی مصدومیت «کریس رونالدو» باشگاه رنال مادرید است که قبل از فینال لیگ قهرمانان و بازی هفته گذشته با اتلتیکو مادرید برای به موقع رساندن این لژیونر پرتغالی به بازی، فشار سنگینی به بازیکنی مصدوم وارد کرد که نتیجه‌اش مشخص است.

وجود این نگرانی‌ها باعث شده تا احتمال عدم حضور به موقع ستاره ۲۹ ساله در اولین بازی جام جهانی در تاریخ ۱۶ ژوئن (۲۶ خرداد ۹۳- مقابل آلمان) قوت بگیرد.

بنابر گزارش فارس، پرتغال در مسابقات برزیل ۲۰۱۴ در کنار آلمان با تیم‌های غنا و امریکا نیز رقابت می‌کند.

مسوولان تیم ملی پرتغال از باشگاه رنال مادرید اسپانیا به خاطر وارد کردن فشار سنگین بر کریس رونالدو ناراحت و عصبانی هستند.

در شرایطی که تنها ۹ روز به شروع مسابقات جام جهانی برزیل زمان باقی مانده، از اردوی «سلسائو اروپا» (تیم پرتغال) خبرهایی در مورد کاپیتانش به گوش می‌رسد که نگران‌کننده است.

منابع نزدیک به این تیم نقل می‌کنند تلاش کادر پزشکی تیم اروپایی

Mandegar

ابهام در برنامه ناتو برای افغانستان پس از ۲۰۱۵

داگلاس لوت، سفیر امریکا در ناتو گفت: حتی با فرض این مساله که رییس جمهور آتی افغانستان توافق نامه امنیتی دو جانبه با امریکا و ناتو را امضا کند هنوز مشخص نیست که آیا این ماموریت ناتو می‌تواند پس از سال ۲۰۱۵ میلادی نیز ادامه داشته باشد یا خیر.

وی افزود: می‌توانم قاطعانه بگویم که این اطلاعات واشنگتن به معنای این است که ماموریت



«حمایت قاطعانه» برای یک سال ادامه خواهد داشت. اما آنچه که پس از آن رخ می‌دهد بستگی به برنامه‌ای دارد که هنوز تنظیم نشده است.

۹۸۰۰ نیروی امریکایی که سال آتی میلادی در افغانستان حضور خواهند داشت به دو دسته هیات آموزشی تحت رهبری ناتو و هیات مقابله با تروریسم امریکا علیه شبه نظامیان القاعده تقسیم خواهند شد.

تصمیم رییس جمهوری امریکا برای کاهش تعداد نیروهای امریکایی در افغانستان بدان معناست که برنامه ناتو برای آموزش نیروهای امنیتی افغانستان در کل این کشور تنها تا پایان سال ۲۰۱۵ میلادی تضمین شده است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، باراک اوباما، رییس جمهوری امریکا در چند روز گذشته برنامه خروج ۹۷۰۰ نیروی امریکایی از افغانستان تا پایان سال جاری میلادی و خروج باقی آن‌ها تا پایان سال ۲۰۱۶ میلادی را اعلام کرد که این مساله به جنگ افغانستان که از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ نشات گرفته پایان می‌دهد.

وزرای دفاع ۲۸ کشور ناتو روز سه‌شنبه و امروز (چهارشنبه) درباره جدول زمانی امریکا برای برنامه‌های ناتو در خصوص انجام ماموریتی جدید تحت عنوان «حمایت قاطعانه در سال ۲۰۱۵ میلادی» مذاکره خواهند کرد که این برنامه برای آموزش و مشاوره نیروهای افغان پس از خروج نیروهای ناتو در پایان سال جاری میلادی است.

چندین تن از دیپلمات‌های ناتو گفتند جدول زمان‌بندی امریکا این سوال را مطرح می‌سازد که پس از کاهش تعداد نیروها در سال ۲۰۱۴ میلادی آیا برنامه این ائتلاف برای آموزش ارتش افغان از پایگاه‌های منطقه‌ای سراسر افغانستان می‌تواند بیش از یک سال دوام آورد یا خیر؟

انتقاد شدید جان بولتن از تبادل سرباز امریکایی

با زندانیان طالبان



جان بولتن، سفیر سابق امریکا در سازمان ملل متحد در گفت‌وگویی با تلویزیون فاکس نیوز امریکا، توافق صورت گرفته برای آزادی سرباز امریکایی در بند طالبان افغانستان را بد توصیف کرد و گفت: اقدام اوباما برای تبادل تروریست‌ها با یک سرباز امریکایی و یکسان انگاشتن آن‌ها تحقیر آمیز بود.

بولتن گفت، اوباما با آزادی این افراد شهروندان و سربازان امریکایی را به خطر انداخته است. چراکه دیگر تضمینی نیست که طالبان به دنبال اسیر گرفتن سرباز دیگر امریکایی نروند.

از سوی دیگر دو قانونگذار جمهوری خواه امریکایی با انتشار بیانیه‌ی، آزاد کردن پنج زندانی طالبان از گوانتانامو را در برابر بازگرداندن بونی برگدال که تقریباً پنج سال در اسارت گروه طالبان افغانستان بود، قانون شکنی دانسته و گفتند، اوباما قانونا موظف بود کنگره را پیشاپیش در جریان آزاد کردن اسیران طالبان قرار دهد.

کاخ سفید این اتهامات را رد کرده و می‌گوید که با توجه به شرایط و فرصت استثنایی پیش آمده مجالی برای تعلل برای آزاد کردن سرباز امریکایی نبود.

بونی برگدال ۲۸ ساله که تقریباً پنج سال در اسارت گروه طالبان افغانستان بود با وساطت قطر با پنج زندانی طالبان که از زندان گوانتانامو آزاد شدند مبادله شده است.

بونی برگدال در سال ۲۰۰۹ در ولایت پکتیکا به دست نیروهای طالبان اسیر شد.

بنا به گزارش‌ها، پنج زندانی طالبان به دولت قطر تحویل داده شده‌اند.

جان بولتن، سفیر سابق امریکا در سازمان ملل متحد در گفت‌وگویی با تلویزیون فاکس نیوز امریکا، توافق صورت گرفته برای آزادی سرباز امریکایی در بند طالبان افغانستان را بد توصیف کرد و گفت: اقدام اوباما برای تبادل تروریست‌ها با یک سرباز امریکایی و یکسان انگاشتن آن‌ها تحقیر آمیز بود.

بولتن گفت، اوباما با آزادی این افراد شهروندان و سربازان امریکایی را به خطر انداخته است. چراکه دیگر تضمینی نیست که طالبان به دنبال اسیر گرفتن سرباز دیگر امریکایی نروند.

از سوی دیگر دو قانونگذار جمهوری خواه امریکایی با انتشار بیانیه‌ی، آزاد کردن پنج زندانی طالبان از گوانتانامو را در برابر بازگرداندن بونی برگدال که تقریباً پنج سال در اسارت گروه طالبان افغانستان بود، قانون شکنی دانسته و گفتند، اوباما قانونا موظف بود کنگره را پیشاپیش در جریان آزاد کردن اسیران طالبان قرار دهد.

کاخ سفید این اتهامات را رد کرده و می‌گوید

داکتر عبدالله عبدالله در غزنی:

غزنی به تاج سر افغانستان تبدیل خواهد شد



داکتر عبدالله عبدالله نامزد پیشناز انتخابات ریاست جمهوری در سیزدهمین روز پیکارهای انتخاباتی اش دیروز به غزنی رفت. او در میان هزاران تن از هواخواهان گفت، غزنی به عنوان مرکز فرهنگ و ثقافت اسلامی نام گذاری شده است و ما هر سال این شکوه را گرامی داشت خواهیم کرد.

این نامزد انتخابات ریاست جمهوری ضمن ستایش از حضور پر رنگ مردم غزنی در انتخابات دور نخست ریاست جمهوری بیان داشت، امروز آمده‌ایم تا قدردانی خود را از شما ابراز بداریم.

آقای عبدالله عبدالله خطاب به شهروندان ولایت غزنی گفت: «خواسته‌های بر حق مردم غزنی را طی یک مکتوبی نماینده‌گان شما برای ما داده اند که در عملی ساختن این خواسته‌ها در خدمت شما خواهیم بود.»

این نامزد ریاست جمهوری همچنان گفت، ما در قسمت ساختن بند برق، برقراری امنیت، ساختن سرک‌ها بین مرکز و ولسوالی‌های غزنی، بازسازی ولایت غزنی و ده‌ها پروژه دیگر برای غزنی از هیچ تلاشی دریغ نخواهیم کرد. آقای عبدالله عبدالله تأکید کرد که ولایت غزنی از امکانات خوبی برخوردار است و با توجه جدی در آینده، این ولایت به تاج سر افغانستان تبدیل خواهد شد.

این نامزد ریاست جمهوری برای جوانان غزنی وعده سپرد که زمینه بهتر آموزش‌های عالی و ورزش را برای شان مساعد خواهد ساخت.

www.mandegardaily.com



MandegarDailyNews



روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفاتر
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰